

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم شاكر خداى متعال هستم كه در هر زمانى عده اى از بندگانش را استعداد و تكليف مى دهد كه ارتباط قلبى با همسخن خود برقرار كرده هدايتشان كنند. سوالى از شما داشتم شمائى كه قلبم را مستعد و علاقمند به ورود به عالمتان ميبييم شمائى كه در تمامى ابعاد نگاهى نو به مسائلى داريد در رابطه با دوستى برادران ايمانى چه ميفرمائيد؟ چرا در اطرافيان كسى را بسيار به خود نزديك ميبييم و با ديگرى برقرارى ارتباط را محال ميدانم؟ چرا در بدو ورود به جمعى بعضى را محبوب دل خود ميبييم؟ چرا گاهى اين احساس ها دوطرفه نيست؟ چگونه مى شود كسى را كه دوستش دارم بى ميل به خود و برعكس خود را بى ميل به محبين خود مى يابم؟ اصلا بايد به اين احساسات ترتيب عملى داد؟ دليل نهي بعضا شديد علمائى اخلاق از ايجاد چنين دوستى هاى چيست؟ در باب عقد اخوت بايد چه رابطه اى بين دو نفر باشد كه در فضائى كه برادر از برادر فرار ميكند شفيع هم باشند و يكديگر را فراموش نكنند؟ اين احاديث بسيار عجيبى كه در مورد برادر دينى بيان شده چطور قابل تفسير هستند؟ (مثلا وقتى به هم دست مى دهند گناهانشان ميريزد و...) و بيشمار سوال ديگر كه به نظر حقير وجود كتابى در اين زمينه در بين مجموعه كتب ارزشمند شما خاليست. با تشكر از استاد گرامى

متن پاسخ

باسمه تعالى: سلام عليكم: راهكار كلى ما آن است كه در زير سايهى اسلام و ائمه «عليهم السلام» و انقلاب اسلامى و مقام معظم رهبرى، همه را دوست داشته باشيم، هرچند شيطان با ايجاد خطورات در بين ما و ديگران مانع نزديكى ما شود ولى كيد شيطان ضعيف است و اگر ما مسير خود را درست ادامه دهيم آن دوستى هاى كه دوستى با دوستان خدا است هرچه بيشتر ظهور مى كند. اين موضوع يك بحث سلوكى است كه سعى شده در كتاب «سلوك ذيل شخصيت امام خمينى» رضوان الله تعالى عليه مطرح شود و با خودسازى بايد همراه باشد. موفق باشيد